

معاینه

محل

(پرسی صحنه در مرگهای مشکوک)

دکتر علیرضا کاهانی

متخصص پزشکی قانونی - سازمان پزشکی قانونی کشور

حمیدرضا گودرزی

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه عمومی تهران،

قاضی ویژه قتل‌های عمد

زیر نظر: دکتر حسن توفیقی

مدیرگروه آموزشی پزشکی قانونی

مقدمه

قاضی تحقیق، پزشکان قانونی و سایر کارشناسانی که به نحوی مأمور پی‌جویی و تشخیص نحوه وقوع یک مرگ مشکوک می‌گردند مسئولیت بسیار سنگینی را به عهده دارند. آنان حافظ و مدافع حقوق کسانی‌اند که دستشان از این جهان کوتاه‌گردیده است و باید بدانند یک اشتباه کوچک از طرف آنها ممکن است زیانهای زیاد و غیرقابل جبرانی را به بار آورد. باید بخاطر داشت وقتی، جنازه یا هر شیئی دیگر در صحنه جرم از محل خود حرکت داده شود هرگز امکان ندارد آنرا مجدداً به حالت اولیه قرار داد.

علت عمده شکست در پی‌جویی یک پرونده قتل را باید در عدم رعایت اصول و قواعد خاص در صحنه جرم (معاینه محل) جستجو کرد. از این رو از این شماره به بعد برآنیم تا سری مقالاتی مبتنی بر لزوم چگونگی همکاری قاضی تحقیق و پزشکان قانونی و سایر کارشناسان و همچنین نحوه معاینه محل و اقداماتی که باید در صحنه‌های مرگهای مشکوک صورت پذیرد مورد بحث قرار دهیم.

با رؤیت مأمورین و به دنبال آن بررسی و تأیید مقامات قضائی کشور از محل مورد نظر باشد. محل بایستی تحت نظر قرار گرفته، با تعقیب ماجرا اتخاذ تصمیم قانونی صورت پذیرد.

جریان بازدید دقیق و اصولی از صحنه جنایت در واقع اقدامی قاطع برای گردآوردن دلایل جرم و جلوگیری از پنهان ماندن آن است چرا که هر لحظه این خطر وجود دارد که مرتکبین جرم تمام مدارک و دلایل، یا قرائن و شواهدی را که راهگشای واقعیت امر است و منتهی به تعقیب امر و ثبوت بزهکاری آنان می شود نابود کنند.

اگر فرض کنیم مرگ انسانی، عادی هم باشد اما به ظاهر برای مأمورین غیر عادی و مشکوک جلوه کند، صاحب نظران بر این عقیده هستند که با حضور در صحنه و بازرسی آن چیزی را از دست نمی دهیم. اگر دهها صحنه را بازدید و همه را عادی اعلام کنیم و رسماً به این نتیجه برسیم که جنایتی واقع نشده است بهتر از آن است که یک مورد از موارد مشکوک را از دست بدهیم و دیگر امکان بازگشت به آن برای گردآوری دلایل وجود نداشته باشد.

گردآوری دلایل یا تجزیه و تحلیل صحنه جرم زیر بنای یک پرونده جنائی است. برای کشف حقیقت و رهنمون شدن به اصالت و

معاینه محل در قوانین موضوعه از ابزار تحقیق است که دادگاه جهت کسب دلیل از آنها استفاده می کند. در اختلافات و دعاوی حقوقی معاینه محل به صورت ملاحظه محل مورد دعوی توسط قاضی دادگاه یا خبرگان و کارشناسان و یا تحقیق از گواهان و مطلعین محلی صورت می پذیرد و جزئیات آن در قانون آئین دادرسی مدنی آمده است.

اما در امور کیفری معاینه محل چنانچه در باب فوتهای مشکوک باشد تحت عنوان بررسی صحنه جنایت مدنظر قرار می گیرد.

در بند یک از ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است که مأمورین مکلفند در جرائم مشهود و در صورتی که جرم در مرئی و منظر آنها واقع شده باشد بلافاصله در محل وقوع جرم حاضر شده، یا آثار جرم را فوراً پس از وقوع ملاحظه نمایند.

در ماده ۷۳ از قانون مذکور آمده است که: معاینات محل یا مستقیماً توسط مستنطق به عمل می آید یا توسط اهل خیره.

در ماده ۷۵ همان قانون آمده است که: در حین معاینات و تحقیقات محلی مستنطق تمام آثار و علامات مقتضیات محل را در نظر گرفته و آنچه را دیده و کشف کرده در صورت مجلس قید می کند.

اینکه خبری واقع شده یا خیر اساساً باید

راجع به مرگهای مشکوک محسوب کنیم، باید آن را به عنوان یکی از اساسی‌ترین و حساس‌ترین قسمت‌های تحقیقات بشناسیم. زیرا این بررسی دقیق صحنه است که همراه جمع‌آوری و آزمایش تمام نمونه‌های مربوطه، باعث سهولت تحقیق و نتیجتاً آشکار شدن اوضاع و شرایط حاکم بر قتل می‌گردد.

پس از کشف جسد پزشکی قانونی وظیفه تعیین علت یا علل وقوع مرگ و احتمال جنایت را بر عهده دارد. با آنکه در اکثر موارد تعیین چگونگی وقوع مرگ به وضوح آشکار است اما در تعداد زیادی از پرونده‌ها، علت و چگونگی وضعیتی را که منجر به مرگ مقتول گردیده است نمی‌توان به سهولت تعیین کرد. همین امر موجب می‌شود که پزشک جسد را با سوء ظن به جنایت مورد بازرسی قرار دهد و چنانچه در چنین مواردی وقت کافی در معاینه جسد و بررسی مکان کشف آن مبذول نگردد اشتباهات وحشتناک و غیر قابل جبرانی روی خواهد داد. مثلاً در صورتی که جسد مردی را که در گونی گذاشته شده و آن را با نخ و سوزن دوخته و در رودخانه‌ای انداخته‌اند از داخل کیسه خارج نموده، به طور عادی برای پزشکی قانونی ارسال کنیم، در حالی که آثاری از ضرب و جرح در آن وجود نداشته باشد، پزشکی قانونی برای دقت در

ماهیت امور باید دید مدارک جمع‌آوری شده تا چه حد از اعتبار قانونی و علمی برخوردار هستند؟

صحنه‌هائی وجود دارند که با عدم اقدام به موقع، دیگر هرگز امکان برگشت به آنها وجود ندارد.

مثال: در سال ۷۱ در یکی از ساختمانهای بیمه در تهران فردی با شلیک گلوله در طبقه هفتم یک مجتمع آپارتمانی به قتل رسیده بود.

طرز قرار گرفتن جسد درست پشت به پنجره روی صندلی بود و گلوله پس از عبور از سر به شیشه پنجره اصابت نموده بود.

مأمورین خیابانهای اطراف را برای یافتن پوکه و بقایای گلوله جستجو کردند اما به نتیجه‌ای نرسیدند.

در بازدیدی که از ساختمانهای روبرو به عمل آمد متوجه شدیم که در طبقه ششم ساختمان یک بانک، شیشه‌ای شکسته و سوراخی ایجاد شده که با مراجعه به آن محل متوجه شدیم مردی مشغول نظافت است. از داخل خاکروبه‌های جمع‌آوری شده داخل سطل آشغال بقایای گلوله را کشف کردیم و در پی آن نوع اسلحه را مشخص نموده، مبادرت به کشف سرنخ اصلی جنایت گردید. حال اگر به موقع اقدام نمی‌شد آیا بقایای گلوله برای همیشه در بین زباله‌های شهر تهران دفن نمی‌شد؟ اگر نتوانیم بازدید کامل و دقیق از محل کشف جسد را مهم‌ترین جنبه در تحقیقات

مربوط به چگونگی مرگ این مرد خواهد بود. بارها اتفاق افتاده است علت مرگی طبیعی گزارش شده اما در مرحله کالبد گشائی متوجه جراحات ناشی از گلوله در پشت جسد شده‌اند.

کالبد گشائی و انجام آزمایشات دقیق‌تر انگیزه جدی نخواهد داشت. در حالی که اطلاع کامل از قضیه مثل اینکه جسد در آب بوده، مدتی در آب شناور مانده است به خودی خود رهگشای حل بسیاری از راههای علمی



تصویر ۱ - قربانی در اتاق خواب به پهلو چپ روی زمین افتاده است. در طرف راست او یک تفنگ دولول قرار دارد و نیز روی دیوار و سقف نمایی از پخش خون دیده می‌شود. حضور پزشک قانونی در چنین صحنه‌ای می‌تواند نحوه وقوع مرگ را مشخص نماید.

مثال: در یک شرکت ساختمانی مدیر عامل با منشی دختر آن شرکت اختلافاتی داشته، وی خواستگار دختر بوده و او تمایلی به ازدواج نداشته است. عصر یک روز پنجشنبه سرایدار شرکت که برای نظافت به محل رفته بود متوجه می شود درها باز هستند و بعد با جسد مدیر عامل که روی زمین افتاده روبرو می شود. کنار جسد یک زیر سیگاری خون آلود افتاده و

همه دلائل علیه حضور منشی بودند. همه کارکنان شرکت می گفتند وقتی شرکت را ترک کرده اند او در کنار مدیر عامل بود و از اختلافات صحبت می کردند. منشی پس از احضار اعتراف نمود با مدیر عامل دعوا کرده، با زیر سیگاری محکم به سرش کوبیده و او نقش زمین شده که از ترس، فوراً محل را ترک و از آنجا متواری شده است.

اما پس از کالبد گشائی جسد، پزشکی قانونی علت مرگ را جرح با گلوله اعلام کرد. درست از محل اصابت زیر سیگاری گلوله ای شلیک شده که نسج مغز را در هم شکسته و باعث مرگ شده است.

مسئله آن است که هیچگاه نباید بدون دلائل و شواهد واضح و دقیق، در مورد نوع مرگ نتیجه گیری نمود به خصوص هنگامی که بدو جراحات یا موارد شک برانگیزی مشاهده می گردد. لذا اساساً توصیه می شود تا انجام کالبد گشائی از نتیجه گیری پرهیز

گردد.

در دنیای امروز با توجه به تحولات علمی در عرصه بررسیهای جنائی گامهای بزرگی برداشته شده است.

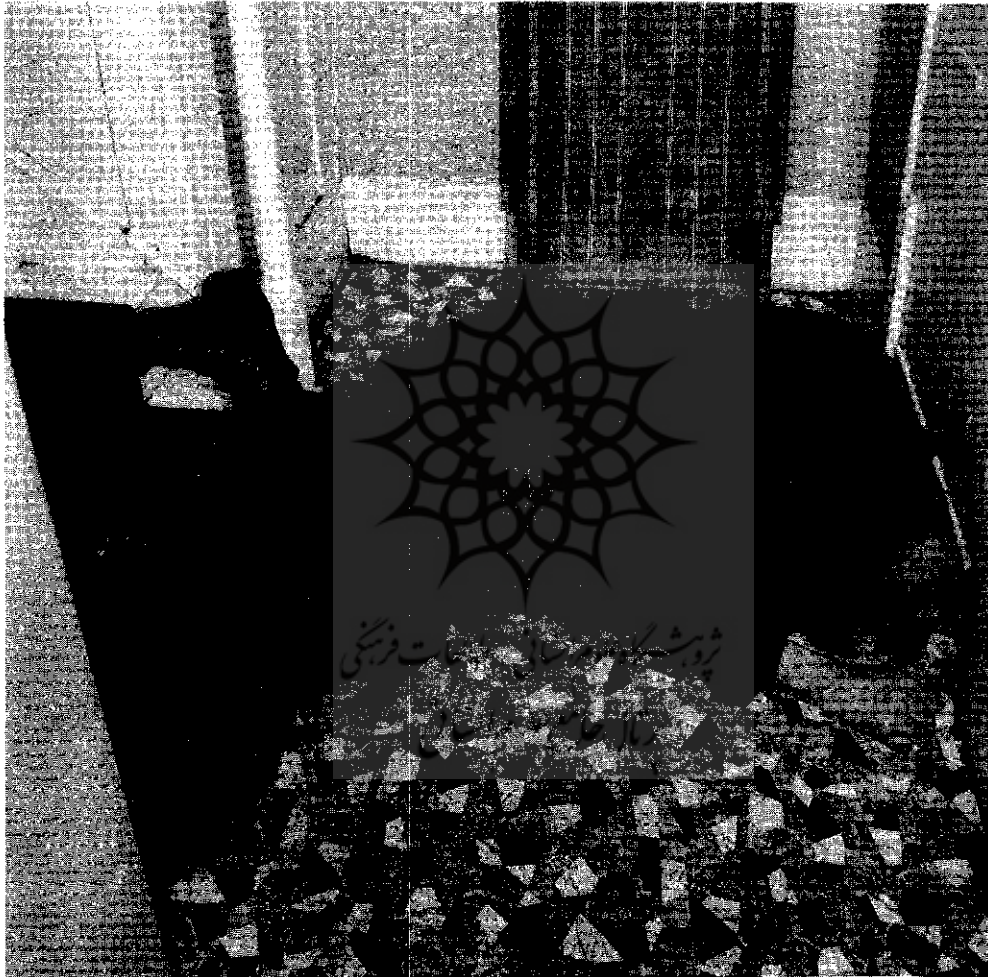
در هر عرصه ای از عرصه های این موضوع وارد شویم خود چون دریائی پهناور از دستاوردهای علمی و پژوهشی رخ می نماید. از بررسی میکروسکوپی و آزمایشگاهی اسلحه شناسی، گردش خانها، برشهای مقطعی گلوله ها و بررسی دقیق و همه جانبه فاصله ها و مسیرها و جهت های تیراندازی گرفته تا دستاوردهای آزمایشگاهی در باب منشأ حریق و مواد اشتعال زا و ... همه و همه ما را به آن نقطه ای می رساند که صراحتاً اعلام کنیم: «معاینه محل و بررسی صحنه در جنایات امروزه باید به عنوان یک تخصص علمی و دانشگاهی مطرح گردد.»

استفاده از آخرین تکنیکها و دستاوردهای علمی و تحقیقی در راستای کشف جرائم از ضروریات دستگاههای اجرائی و قضائی به شمار می رود و این ضرورت امروزه به طور جدی در کشور ما احساس می شود.

حضور در صحنه جرم، ثبت، ضبط و شناخت پدیده های مجرمانه و حفظ آثار و دلائل مادی جرم نه فقط سرعت و دقت در

که از صحنه جرم بازدید کرده‌اند به اشتباه جریانی را قتل عمد دانسته‌اند در صورتیکه با حضور مسئولین و کارشناسان فنی در صحنه، ثابت شده موضوع یک مرگ عادی بیش نیست.

رسیدگی به امور کیفری را افزایش می‌دهد بلکه از بروز اشتباهات قضائی جلوگیری می‌نماید و مراجع قضائی را به عنوان یک پشتوانه محکم و استوار در اذهان عمومی تثبیت می‌کند. بارها این واقعه رخ داده که اولین کسانی



تصویر ۲- پیرمردی در پائین پله‌ها در حالی که سرش با دیوار مقابل تماس دارد مشاهده می‌شود. در اینجا این سؤال مطرح است که آیا او کشته شده یا سخته کرده است؟ مسلماً حضور پزشک قانونی در صحنه می‌تواند به قاضی تحقیق کمک نماید تا هر چه سریعتر در مورد چگونگی واقعه اظهار نظر نماید.

شما تا کوجه بیش از ۱۵ متر فاصله است و راه ورودی دیگری هم در اطراف وجود ندارد. بعد از او سؤال شد این طناب که اطراف گردن پسران افتاده برایتان آشنا نیست. سری به علامت تصدیق تکان داد و گفت: این طناب خود ماست که آن را از داخل حمام برداشته‌اند.

از برادر و خواهر طفل سؤالاتی شد. اظهار داشتند پسر بچه در ایام تنهائی لباسهایش را از تن خارج می‌کرده، با طنابی که به بالای پنجره می‌بسته بازی می‌کرد. چند بار هم به علت ارتکاب این عمل از طرف پدر تنبیه شده بود.

بر اساس بررسیهای انجام شده طفل با طنابی در کنار پنجره بازی می‌کرده که غفلتاً طناب دور گردنش افتاده، چون پنجره باز بوده به بیرون آویزان شده است. پدر و مادر طفل نیز بر این موضوع مهر تأیید زدند و اعلام کردند بچه ما خودش اشتباه کرده و با کسی دشمنی نداشته و موضوع جنایتی در کار نمی‌باشد.

پزشکی قانونی هم در پی معاینه از جسد اعلام داشت آثاری از تجاوز و دفاع و ضرب و جرح در بدن طفل مشاهده نمی‌شود. آزمایش سم شناسی هم منفی بود. پرونده مرگ این کودک ۱۲ ساله به خاطر اینکه جرمی واقع نشده بود با صدور قرار منع پیگرد بایگانی شد.

در برخورد با صحنه‌های مختلف باید چه واکنشی از خود نشان بدهیم؟ فرد هدف

ماجرائی که، در صورت عدم حضور به موقع قاضی و خبرگان امر برای همیشه به عنوان یک پرونده جنائی گزارش و مطرح رسیدگی قرار می‌گرفت، در مطبوعات و رسانه‌های جمعی منتشر می‌شد و آثار تخریبی و وحشتناکی را در افکار عمومی بر جای می‌گذاشت. از این مقوله نمونه‌ای را ذکر می‌کنیم:

در یکی از روزهای پائیزی سال ۷۰ در یکی از نواحی تهران اعلام شد که پسر بچه‌ای را خفه کرده، با طناب از پنجره منزل پدرش به دار آویخته‌اند. ظاهراً طفل ۱۲ ساله در منزل تنها بوده، در غیاب والدین او این جرم اتفاق افتاده بود.

جمعیت انبوهی در کوجه و خیابانهای اطراف ایستاده بودند. پدران و مادرانی که رنگ پریده و وحشت زده از هم می‌پرسیدند چه کسی او را به قتل رسانده؟ طفلک چه گناهی داشت؟ و با تکرار این جملات چنین احساس می‌شد که با دل‌نگرانی احساس عدم امنیت می‌کنند و برای بچه‌های آنها امنیتی وجود ندارد.

در بازدیدی که از صحنه به عمل آمد معلوم شد طفل جز یک شورت ورزشی لباسی به تن ندارد. از پدرش سؤال شد وقتی وارد منزل شدید در باز بود یا بسته؟ جواب داد در از داخل قفل بود سؤال شد پس مرتکب جرم از کجا وارد شده؟ گفت: از پنجره. سؤال شد شما خوب نگاه کنید از پنجره

دقیق‌تر و تخصصی‌تر به این مقوله و مشکلات مربوط به آن می‌باشد.

در کشور ما نخستین کسانی که از جریان وقوع مرگهای مشکوک مطلع می‌شوند مأمورین انتظامی هستند. در سطح ادارات و کارخانه‌ها و پادگانهای نظامی نخستین افراد مسؤولین انتظامی آن واحدها هستند و این حقیقت باید برای آنها جا افتاده باشد که:

اصابت گلوله قرار گرفته یا با اسلحه خودزنی کرده؟ آیا فرد را آتش زده‌اند یا خودسوزی کرده؟ آیا شخص را از ارتفاعی به پائین پرتاب کرده‌اند یا او خود را به پائین پرتاب و خودکشی کرده است؟ و ...

لازم است که در هر یک از نمونه‌های مذکور در اسرع وقت تمام دلایل جرم را جمع‌آوری کنیم. موضوع بحث، نگرش



تصویر ۳ - مرد میانسالی روی تخت، در حالی که پاهایش با زمین تماس دارند و چاقویی در کنار اوست دیده می‌شود. خون زیادی بر روی تخت خواب ریخته شده است. حضور پزشک قانونی همراه با مطالعه چگونگی پخش خون می‌تواند نحوه جنایت را مشخص نماید.

اولاً تا حضور کارشناسان فنی صحنه را دست نخورده نگهدارند.

ثانیاً از اظهار نظر در باب صحت و سقم ماجرا خودداری کنند. چرا که اگر مرگ طبیعی را جنایت قلمداد کنند به سادگی نمی‌توان آن را از اذهان مردم و افکار عمومی پاک کرد و ... یکی از مشکلات دیگری که بر سر راه موضوع بررسی صحنه‌های مربوط به مرگهای مشکوک قرار دارد مسئله حضور پزشکان قانونی است. در ماده ۷۸ قانون آئین دادرسی کیفری آمده است:

«اهل خبره باید وقتی دعوت شوند که اظهار اطلاع در علمی یا فنی یا معلومات مخصوصه به ارباب شغلی یا کسبی لازم باشد.» (مثل طبیب - داروساز و ...)

و در ماده ۷۹ از قانون مذکور اضافه شده است که: «در موقع تحقیقات اهل خبره، مستنطق هرگاه لازم بدانند حاضر خواهد شد.»
در شهرستانهای کوچک گهگاه پزشکان قانونی در کنار قضات به بررسی صحنه می‌پردازند و در تهران و غالب شهرهای بزرگ زمینه مقدمات حضور پزشکان در صحنه‌ها فراهم شده و در اغلب کشورهای جهان پزشکان قانونی در کنار بازپرسان یا کمیسرهای پلیس جنائی در صحنه حاضر می‌شوند.

به طور کلی محاسن حضور پزشک

قانونی در صحنه جنایت به شرح زیر است:

۱- اگر پزشکان با معاینه جسد موضوع را جنایت یا مشکوک به جنایت بدانند قاضی و مأمورین که در محل حاضرند فوراً کار گردآوری دلایل، تحقیق از شهود و دستگیری متهمین را آغاز می‌کنند. چون گاه ممکن است قاضی یا مأمورین جریان را فوت عادی تصور کنند، اما پزشکی قانونی بعدها پس از معاینه جسد موضوع را جنایت اعلام کند که مرغ از قفس پریده باشد. به ذکر نمونه‌ای در این رابطه می‌پردازیم:

چند سال پیش ساعت ۱۲ شب در شرق تهران مردی ۶۴ ساله فوت می‌کند.

در بازبینی که از محل می‌شود آثار ظاهری ضرب و جرح دیده نمی‌شود و موضوع یک مرگ عادی به نظر می‌رسد. نامبرده فاقد فرزند بوده و همسرش آن شب در منزل نبود. منزل لاک و مهر می‌شود و همسرش پس از تحقیق مقدماتی که مدعیست در منزل خواهرش بوده از مرگ شوهر اظهار بی‌اطلاعی می‌نماید. همسر بلاقید آزاد می‌شود و ۲۴ ساعت بعد پزشک قانونی در برگ معاینه جسد اظهار نظر می‌نماید بوی تند سمی از معده متوفی به مشام رسیده و ظاهراً آثار مسمومیت دارد. پس از آزمایشات سم شناسی پاسخ دقیق علت مرگ اعلام می‌شود.

فردای آنروز از مغازه متوفی بازدید می‌شود و

فساد نعش ناشی از گرما محو نماید اما در حضور پزشک قانونی چنین مشکلی وجود ندارد.

مثال: در تابستان سال ۷۱ جسد زنی بنام زریانو در حدود ساعت ۱۲ ظهر یک روز بسیار گرم در اتوبانی واقع در اطراف تهران توسط باز پرس ویژه قتل بازدید گردید و چنین اعلام شد که دورگردن مشارالیها آثار خراش و ضرب و جرح دیده می شود. اما پزشکی قانونی ۲۴ ساعت بعد در پی معاینه جسد اعلام نمود به لحاظ تعفن اثری از ضرب و جرح دیده نشد و بعدها اعلام شد که تعیین علت مرگ مقدور نیست. علت این امر آن بود که تا حضور کارشناسان تشخیص هویت و آمبولانس پزشکی قانونی و انتقال جسد و معاینه که ۲۴ ساعت طول کشید جسد دچار تعفن و فساد نعشی شده بود.

حال اگر پزشکی قانونی در کنار قاضی، جسد را معاینه می نمود، آثار و علائم به درستی منعکس می شدند.

۳- اگر پزشکی قانونی در محل جسد را معاینه کند ساعت و زمان دقیق مرگ را سریع تر و بهتر تعیین می کند و حدسیات وی از ضریب اطمینان بیشتری برخوردار خواهد بود.

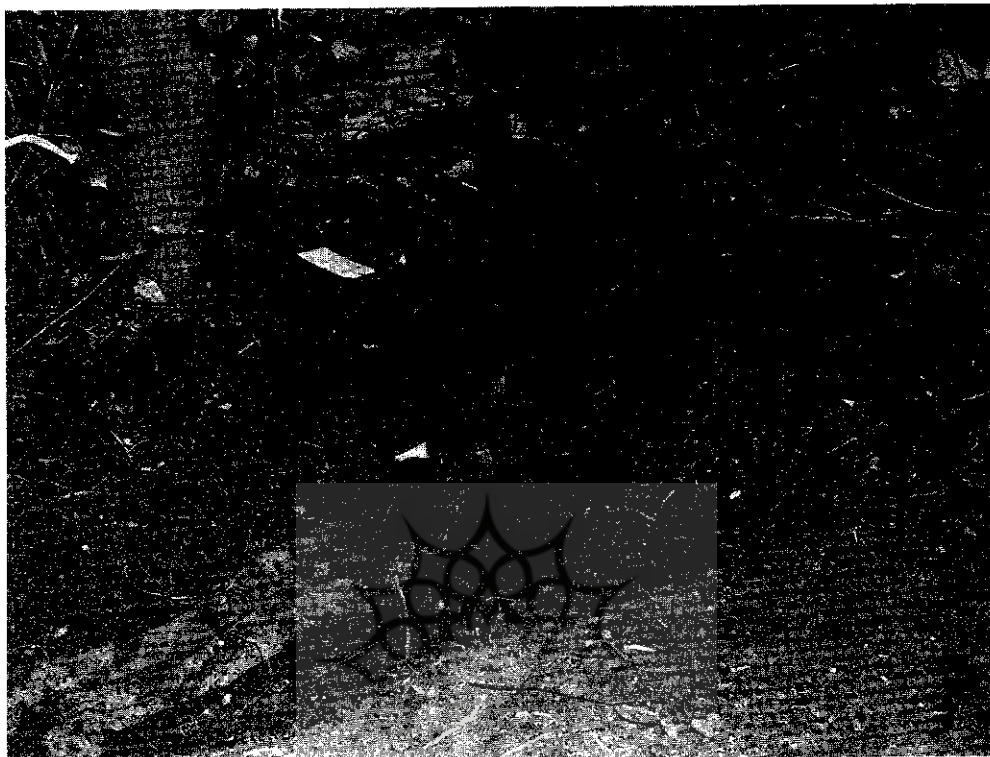
در میز کارش نامه ای کشف می گردد که در آن نوشته شده: «من خودم سم خوردم و کسی مسئول مرگ من نیست.»

همسرش را مجدداً برای تحقیق احضار می نمایند اما گفته می شود در دسترس نیست و چند روز بعد معلوم می شود که از کشور خارج شده است. در پی بررسی دقیق تر مشخص می شود که مرد قبلاً به دادگاه شکایت برده که همسرش در جای سم ریخته و به وی خورانده و برای اثبات این مدعی دلائل و مدارکی نیز ابراز نموده است...

یک ماه بعد همسر متوفی وقتی گمان می برد که پرونده بسته شده است به کشور برمی گردد. با جلب او، صراحتاً اعتراف می نماید که در غذا همسرش سم ریخته است. پزشکی قانونی هم علت مرگ را مسمومیت اعلام کرده بود.

حال چنانچه در روز اول پزشک قانونی در صحنه، علائم مسمومیت را می دید می توانست باعث شود که علت فوت مرگ عادی تلقی نگردد و مجرم نمی توانست به اهداف خود دست یابد.

۲- در گرمای تابستان، زیر اشعه مستقیم آفتاب ممکن است، ارسال جسد به پزشکی قانونی و معاینه آن در ساعات بعد آثار ضرب و جرح موجود در جسد را به لحاظ تعفن و



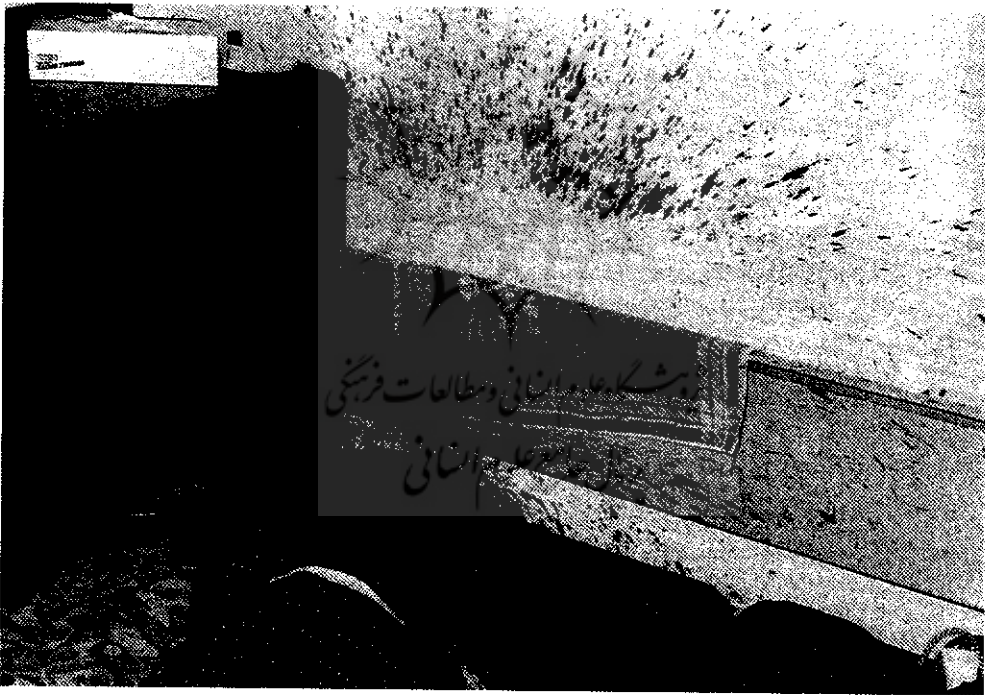
تصویر ۴ - حضور پزشک قانونی در چنین صحنه‌ای می‌تواند زمان تقریبی دفن متوفی را تعیین نماید. جسدی در کنار درخت دفن شده است و ریشه‌های درخت از میان کالبد جسد عبور نموده است. زمان تقریبی دفن ۵ سال اعلام گردید.

آیا ناشی از سقوط است، یا ناشی از تصادف یا زدو خورد، دفاع و غیره؟ در حالیکه مساعینه جسد در کنار اشیاء دیگر و در محیط جرم خود بهترین راهنمای یک دانشمند برای تجزیه و تحلیل واقعی ماجراست.

۴- عموماً پزشکی قانونی برای اینکه مسیر واقعی معاینه و تعیین علت مرگ را پیگیری کند، اطلاعات مقدماتی را از قضات و مأمورین تحقیق استعلام می‌نماید. چون نمی‌داند صدمات موجود در بدن متوفی چگونه وارد شده‌اند؟

هـ. اغلب اوقات این احتمال وجود دارد که فرد فوت نکرده باشد و او را یک مرده تصور کنند. اگر پزشک در محل باشد با معاینه مقدماتی بدو موضوع مرگ یا زندگی او را تشخیص سپس اقدامات دیگر را شروع می‌کند. چون با تأخیر حضور قاضی و عدم تخصص ممکن است جان انسانی در خطر باشد:

مثال: امروزه یک افسر راهنمایی و رانندگی از صحنه تصادفات بازدید و عین واقعیت را با ترسیم کروکی گزارش می‌کند بعد چند افسر عالی‌رتبه با توجه به گزارش وی قضیه را بررسی و علت یا علل اصلی را تعیین می‌نمایند. نقش پزشک قانونی در صحنه هم حداقل چنین نقشی است چرا که در تالار تشریح و کمیسیونهای مربوطه اساتید فن فرصت بررسی امر را با حضور پزشک معتمد و متخصص خود خواهند داشت.



تصویر ۵ - حضور پزشک قانونی در چنین صحنه‌ای می‌تواند چگونگی وقوع جنایت را با توجه به معاینه محل از جمله نمای پخش و شکل قطرات خون روی دیوار بالای سر قربانی که در اثر اصابت متعدد جسم سخت ایجاد شده است مشخص نماید.

اهمیت علم بررسی صحنه را در دیدگاه صاحب نظران روشن تر سازد. امری که اساسی ترین پایه برای تشکیل پرونده های مهم است. پرونده های جنائی که از جنجالی ترین ماجراهای اجتماعی سرچشمه می گیرند، چنانچه جمع آوری دلایل و مدارک آنها به موقع و توسط متخصصان امر صورت نپذیرند مشکلات عدیده ای بر سر راه دستگیری مجرمین و قضاوت های عادلانه فراهم خواهند آورد.

بر آن هستیم تا با بررسی آخرین دستاوردهای جهانی مربوط به علم بررسی صحنه و نیز مشکلات و موانعی که بر سر راه ایجاد یک سیستم علمی و تخصصی قرار دارد این رشته را به عنوان یک رشته دانشگاهی مطرح نمائیم و انتظار داریم تا اساتید و متخصصان امر ما را در اجرای این مهم یاری بخشند، رشته علمی نوپا که هنوز در سالهای آغازین است و امیدواریم با عنایت پروردگار سبب ایجاد تغییرات اساسی در سیستم بررسی و تحقیق جنائی کشورمان گردد. امید آن است که با راهنمایی خود ما را از لغزشها بر حذر دارید.

اعلام فوت زن و مردی می شود. از محل بازدید به عمل می آید و موضوع گاز گرفتگی به نظر می آید.

در بدن زن آثار ظاهری ضرب و جرح دیده نشد اما رنگ پوست بدنش گلی رنگ بود. در بدن مرد چنین علائمی مشهود نبود اورژانس در محل حاضر و پس از معاینه اعلام می کند، مرد فوت نکرده است بلافاصله نامبرده را به بیمارستان منتقل می کنند اما متأسفانه دیر شده و مرد فوت می کند.

حال چنانچه پزشک قانونی در صحنه بود خیلی سریع تر موضوع حیات مرد را تشخیص می داد و احتمال نجات وی می رفت. اختلاف نظر بین قاضی و پزشک قانونی:

در بسیاری از موارد قاضی امری را جنایت می داند اما در نظر پزشک قانونی موضوع یک مرگ طبیعی تلقی می گردد و یا برعکس.... در چنین مواردی هر طرف می تواند با حضور در محل، اقدامات مقدماتی و تدارک دفاع از دیدگاه خود را با جمع آوری نمونه های مورد نظرش به انجام رساند. این مختصر به این جهت معروض افتاد که